

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راهنمای معلمان و مربیان در

قصه نویسی

ویژه دانش آموزان پایه پنجم

سازمان مدارس راه ایمان

تابستان ۱۴۰۴

سخنی با معلمان

قصه‌گویی و داستان‌نویسی راه موثری برای ارتباط بین افراد است. ما به قدرت داستان‌نویسی، برای توانمندسازی کودکان اعتقاد داریم و از طریق کلاس‌های داستان‌نویسی در مقاطع مختلف می‌خواهیم کودکان و نوجوانان را تشویق به نوشتن کنیم. از این طریق حس ارزشمندی و به طبع آن خودباوری در آنها تقویت می‌شود و کودکان می‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند خود را ابراز کنند.

هدف ما از داستان‌نویسی، ترویج تفکر نقادانه و افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس در بین کودکان است. این کلاس محیط امنی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا بتوانند خود را بیان کنند و راه‌های درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن را بیاموزند، به سادگی هر امری را باور نکنند و روش‌های مناسبی برای حل مشکلاتشان بیابند. شرایط امروزی زندگی ما به گونه‌ای است که می‌توان گفت تفکر نقادانه از پیش‌نیازهای رشد، موفقیت، رقابت و بقا محسوب می‌شود. برخی از کاربردهای تفکر نقادانه که در فرایند نوشتن نیز سودمند و موثر است، عبارتند از:

- چگونه سوالات بهتری بپرسیم و پاسخ‌های بهتری مطرح کنیم؟
- چگونه مستدل‌تر و عمیق‌تر فکر کنیم، حرف بزنیم و بنویسیم؟
- چگونه شباهت و تفاوت بین ایده‌ها و حرف‌ها و تحلیل‌های مختلف را ببینیم و ارزیابی کنیم؟
- چگونه مسائل و مشکلات را تعریف و تحلیل کنیم؟ (نوشتن می‌تواند راه خوبی باشد)
- در میان انبوه رسانه‌هایی که امروزه - تقریباً بدون استثناء - منافع و بقای خود را در اولویت قرار می‌دهند، چگونه می‌توانیم اطلاعاتی مفید و ارزشمند به دست بیاوریم؟
- چگونه دانسته‌ها و باورها و شناخت‌مان از جهان را پالایش کنیم و از تعصب و تنگ نظری و پیش‌داوری فاصله بگیریم؟
- چگونه شفاف‌تر فکر کنیم و حرف‌ها و نظرها و استدلال‌هایمان را به شیوه‌ای شفاف‌تر و متقاعدکننده‌تر به دیگران منتقل کنیم؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه از نگاه فردی دیگر و با چارچوب نگرشی متفاوت، به مسائل نگاه کنیم تا از این طریق، گفتگو و تعامل ما با دیگران ساده‌تر و سازنده‌تر باشد؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه به دیگران کمک کنیم تا مسائل و مشکلات خود و محیط اطرافشان را بهتر و شفاف‌تر ببینند و درک کنند؟

به این ترتیب می‌توان گفت نوشتن راه خوب و موثری است برای اینکه به بچه‌ها فکر کردن و مهارت حل مسئله را بیاموزیم، توانایی‌هایی که به آموزش آنها در میان درس‌های مدرسه بی‌توجهی شده است.

معلم و والدین عزیز به یاد داشته باشید کودکان می‌توانند آزادانه تخیل و خلاقیت داشته‌باشند، تنها از طریق این دو عنصر است که به کشف خود و دنیای اطراف می‌رسند. یکی از بهترین راه‌های تقویت خلاقیت در کودکان داستان‌نویسی است. این آزادی در تخیل باعث تقویت ارتباط آنان با هم‌نسلان و نسل‌های گذشته می‌شود و به حفظ و گسترش فرهنگ آنها کمک می‌کند.

کلاس‌های ما فقط قصه‌گویی و داستان‌نویسی نیست. ما در این کلاس می‌خواهیم در مورد تقویت تعاملات اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله، حفظ فرهنگ ایرانی اسلامی، خودباوری و اعتماد به نفس و ... گفتگو کنیم و آموزش دهیم. کودکان از طریق فعالیت‌های هنری مانند (داستان‌گویی، داستان‌نویسی، نقاشی، نمایش خلاق و ...) می‌توانند ایده‌ها و پیام‌های پیچیده‌ای را به

اشتراک بگذارند، پیامهایی که بدون این فعالیتها میسر نیست، و البته فراموش نمی کنیم که کلاسهای داستان نویسی برای کودکان و نوجوانان باید سرگرم کننده، جذاب و مفرح باشد.

معلم و والدین عزیز بیایید دست در دست هم دنیای کودکانمان را هر چه زیباتر، رنگارنگتر و غنیتر کنیم و با قدرت داستان نویسی به تقویت خصوصیات مثبت اخلاقی کودکان کمک کنیم، به این امید که آنها در آینده به فردی مفید و موثر در جامعه تبدیل شوند.

چرا داستان مهم است؟ (انتقال پیام)

قصه از دیرباز برای انسان‌ها اهمیت ویژه‌ای داشت. انسان‌های اولیه وقتی دور آتش جمع می‌شدند برای هم قصه تعریف می‌کردند. برخی از این قصه‌ها واقعیاتی بود که در طول روز تجربه کرده بودند. برای مثال: داستان نحوه‌ی شکار بزرگ‌ترین گوزن جنگل، یا مبارزه با خرس قدرتمندی که تمام قبیله از آن می‌ترسیدند.

برخی دیگر از قصه‌ها، برای انتقال پیام و مفهوم‌های خاصی طراحی می‌شدند. این قصه‌ها در تمثیل‌ها و ضرب‌المثل‌های عامیانه به وفور یافت می‌شود. برای توضیح این مفهوم می‌توانید قصه‌ی زیر را برای بچه‌ها تعریف کنید و از آن‌ها بخواهید حدس بزنند که پیام آن چیست:

« مورچه و ملخ دو دوست صمیمی بودند که در نزدیکی هم زندگی می‌کردند. در فصل بهار، مورچه مشغول کار بود. دانه‌های سنگین را جابه‌جا می‌کرد و در انبار می‌گذاشت و خودش را برای فصل زمستان آماده می‌کرد. اما ملخ، شاد و خوشحال، زیر نور خورشید، وسط گل‌های زیبا و علف‌های سبز می‌نشست و به شاخه‌ی درخت‌ها تکیه می‌داد و آوازهای بهاری می‌خواند. او با خودش می‌گفت: «کسی در این هوای خوب و دل‌انگیز کار می‌کند؟» مورچه هر روز غذا و خوراکی جمع می‌کرد و آن‌ها را در خانه‌اش انبار می‌کرد. اما ملخ تنبل، زیر نور خورشید می‌خوابید و آوازهای خوش سر می‌داد. تا این که زمستان از راه رسید. برف همه جا را سفید کرده بود و ملخ غذایی برای خوردن پیدا نکرد. او در آن هوای سرد، بسیار گرسنه بود و دیگر حال و حوصله‌ی آواز خواندن نداشت. اما بشنوید از مورچه. او روی صندلی کوچکش در خانه‌ی گرمش، کنار آتش نشسته بود و استراحت می‌کرد. ملخ با خود گفت: «به خانه‌ی مورچه می‌روم و از او کمک می‌خواهم. من می‌دانم که او هم غذا دارد و هم آتش و هم جای گرم.» ملخ در زد. مورچه در خانه‌اش را باز کرد و ملخ را روبه‌روی خودش دید. مورچه از او پرسید: «چه می‌خواهی؟» ملخ پاسخ داد: «مورچه‌ی عزیز من گرسنه‌ام و به شدت سردم است. غذایی به من بده تا بخورم و چوبی به من بده تا آتشی با آن روشن کنم.» مورچه گفت: «تمام طول تابستان را چه کار می‌کردی؟ تو فقط بازی می‌کردی و آواز می‌خواندی و مرا مسخره می‌کردی. من تو را نصیحت کردم، اما تو گوش ندادی. تمام تابستان را به آوازخوانی گذراندی، حالا هم برو آواز بخوان و هر طور دوست داری زندگی کن.» بعد هم در را به روی ملخ بست. مدت کوتاهی گذشت. مورچه دلش به حال ملخ سوخت. در خانه‌اش را باز کرد و ملخ را به خانه‌اش آورد و به او غذا داد و جای گرمی برایش آماده کرد.»

حدس زدن پیام این قصه کار سختی نیست. می‌توانید از قصه‌های دیگری نیز استفاده کنید. داستان‌های کتاب درسی بچه‌ها و قصه‌های حفظ موضوعی قرآن می‌توانند منبع خوبی برای این منظور باشند.

پس از این، به بچه‌ها بگویید که همیشه یکی از مهم‌ترین کارکردهای قصه، انتقال پیام بوده است.

تمرین:

۱/ لیستی از کلمات روی تخته بنویسید. حداقل ۲۰ کلمه انتخاب کنید. تفاوتی نمی‌کند که این کلمات درباره‌ی چه موضوعی باشند. صرفاً برای بچه‌ها قابل درک و ملموس باشد. (برای مثال: در، ناخنگیر، ماهی، لیوان، خرس، برگ، ساندویچ، مدارنگی، پنیر، هوای گرم و ...)

به بچه‌ها بگویید سه کلمه را برای خودشان انتخاب کنند و روی دفترشان بنویسند.

سپس از آن‌ها بخواهید با استفاده از این سه کلمه، داستانی بنویسند که پیامش این باشد: کسی به حرف‌های دروغگو اعتماد نمی‌کند. (نتیجه‌ی این تمرین داستان‌های بامزه‌ای خواهد بود.)

۲/ به بچه‌ها بگویید فرض کنند یکی از دوستان‌شان هیچ‌وقت مسواک نمی‌زند و بوی بد دهانش آن‌ها را اذیت می‌کند. آن‌ها می‌خواهند به دوستشان تذکر بدهند، اما حس می‌کنند که او ناراحت می‌شود. حالا یک داستان طراحی کنند و آن را برای او (برای یک شخص خیالی، نه دوست واقعی‌شان) تعریف کنند.

پس از این تمرین و بعد از خواندن قصه‌ها به دانش‌آموزان بگویید به این توجه کنند که همگی با داستان‌های مختلف یک پیام را منتقل کرده‌اند و این از جذابیت‌های قصه نویسی است.

ایده یابی

ایده پیدا کردن برای داستان، مهم ترین و البته حساس ترین بخش کار است. این ایده ها ما را به قصه می رسانند. ایده ها مانند اسکلت کار هستند، که سایر جزئیات داستان روی آن ها سوار می شوند. اگر ایده ی داستان خوب نباشد، قصه ی شما مانند ساختمانی است که اسکلت بندی درستی ندارد. داستان شما سست و ناپایدار خواهد شد و به نتیجه ی خوبی نخواهد رسید.

ایده ها آنقدر هم از ما دور نیستند. ما می توانیم با نگاهی ساده به اطراف مان، به ایده های خوبی برسیم. یکی از راه های رسیدن به ایده، نگاه درست به اطراف است. دور تا دور ما پر از مسائل مختلفی است که می توانند به ما ایده بدهند. این مسائل می توانند مشکلات و چالش ها باشند. همچنین می شود از طبیعت یا گونه های جانوری خاص هر منطقه بهره گرفت. به طور کلی هر اتفاق، شیء و پدیده ای می تواند ایده ی اولیه ی قصه ی ما را تشکیل بدهد. برای مثال اگر در یک شهر کویری باشید، ممکن است مسائلی چون: «کم آبی»، «حیوانات کویر مثل مار و عقرب»، «آسمان پر ستاره»، «خانه های گلی» و سوژه های این چنینی ایده ی شما را شکل بدهد. اما اگر خانه ی شما در منطقه ی بارانی و جنگلی بود، احتمالاً «سیل»، «حیوانات جنگل»، «مسافران و گردشگرانی که به شهرتان می آیند»، «میوه های متنوع باغ ها» و «خانه هایی که شیروانی دارند» پایه و اساس ایده ی شما را شکل می داد. افرادی که در شهرهای بزرگ زندگی می کنند با «آلودگی هوا» و «شلوغی و ترافیک» بیشتر سر و کار دارند.

از بچه ها بخواهید در گروه های کوچک (حداکثر سه نفره) تقسیم شوند و در مورد محل زندگی شان گفت و گو کنند. در نهایت هر گروه سه ایده برای داستان شان انتخاب کنند. ایده ها را بخوانید و باهم مقایسه کنید. اگر ایده ی تکراری می بینید آن را روی تخته بنویسید و به ازای هر بار تکرار جلوی آن ضربدر بزنید. ایده ای که بیشترین انتخاب را داشته، احتمالاً مهم ترین مساله ی محل زندگی بچه هاست.

به بچه ها توضیح بدهید که نوشتن قصه در مورد مسائل روستا یا محله ی خودمان، کمک می کند که توجه دیگران به آن مسئله جلب شود و مردم کشور (و یا حتی جهان) درباره ی آن اطلاعات بیشتری به دست بیاورند. این حتی می تواند به کمک و حل آن مسئله کمک کند.

به بچه ها تاکید کنید که صحبت درباره ی مشکلات محل زندگی، باید در قالب داستان باشد. با همه ی نکاتی که درباره ی شخصیت پردازی و کوه داستان گفتیم. این که صرفاً در قالب یک گزارش مشکلات گفته شود، کار گزارشگر و خبرنگار است. ما داستان نویس هستیم و باید موضوعات مان را تبدیل به ایده ی داستانی کنیم.

تمرین:

از بچه ها بخواهید یکی از مشکلات محل زندگی شان را انتخاب کنند. به آن ها بگویید قرار است در مورد آن قصه ای بنویسند. شخصیت قصه یک شیء یا حیوان است. از آن ها بخواهید شخصیت قصه شان را (در کلاس) پیدا کنند.

سپس از آن ها بخواهید شروع داستان را بنویسند.

بعد از نوشتن این تمرین، از آن ها بخواهید شروع هایشان را برای هم بخوانند و به یکدیگر در بهتر شدن شخصیت پردازی و شروع کمک کنند. (از بچه ها بخواهید آن بخش از نظرات دوستان شان که فکر می کنند به دردشان می خورد، بنویسند)

پس از این به بچه‌ها بگویید قصه را در خانه کامل کنند و جلسه‌ی بعد آن را با خود بیاورند.